شمس العرفاء

مدرسی چهاردهی، نورالدین

یکی از اقطاب قرن اخیر که شهرت بسزائی پیدا نمود و اغلب رجال‏ وقت دست ارادت باو دادند شمس العرفا بود سید حسین حسینی فرزند سید محمد رضا معروف به آقاجان ملقب به شمس العرفا در شب دوشنبه سوم شعبان 1288 ه ق در تهران متولد گردید و دست ارادت بشیخ عبد القدوس کرمانشاهی داد و پنجاه سال در مقام قطبیت بسر برد در شب نوزدهم ذی قعده 1353 ه ق وفات‏ یافت و در امامزاده عبد اللّه در شهر ری مدفون گردید.

خانقاه شمس جنب سقاخانه نوروز خان نزدیک مسجد شاه تهران بود شمس به عده‏ای از ارادتمندان خود شرح گلشن را رو فتوحات مکیه و مرصاد العباد را تدریس می‏کرد.

شمس مرصاد العباد نجم الدین دایه را با یک مقدمه کوتاه منتشر ساخت و دیوان طهماسب قلیخان وحدت کرمانشاهی که معتکف مسجد آقا محمود در تهران بود و داعیه قطبیت داشت با ذکر حالش بطبع رسانید و رساله‏ای به نظم‏ و نثر در تعقیبات نماز برای مریدان خود بنام شمسیه تألیف نمود.

و در بدایت رسالهء شمسیه اشعاری در وصف خود سروده است که چند بیت‏ برای نمودار ساختن دعاوی وی ذکر می‏گردد.

لا هوت مقام خلوت ما است‏ اندر جبروت عزلت ما است‏ اندر ملکوت هم اسیریسم‏ در عالم ملک بی‏نظیریم‏ در کشف شهود بی‏نظیریم‏ بر جمله مکاشفان امیریم

و کتابی در صرف و نحو فارسی تألیف نموده و بطبع رسانید و شرحی بر گلشن راز نگاشت که هنوز چاپ نگردیده است.

شمس ذیل نامه‏ها بطریق زیر از خود یاد می‏نمود:«الفقیر الحسینی النعمة- اللهی الملقب الطریقه شمس العرفاء و سجع مهرش کلمه(شمس العرفا)بعد از در- گذشت شمس العرفاء افراد زیر ادعای جانشینی وی نمودند:

1-آقا کمال برادر شمس.

2-اسکندر خان خواهرزاده شمس.

3-حجت بلاغی که خود را حجت علیشاء نامیده است و دو کتاب در شرح‏ حال شمس العرفاء تألیف نمود و در قم سکونت دارد.

4-آقا سید علی برقعی امام جماعت در تهران.

5-آقا سید مصطفی(وفا علی)ساکن هند.

6-محمد حسین طیفوری مقیم تهران.

7-آقا محمد علی شوقی مقیم تهران.

8-مونسعلیشاء ذوالریاستین مقیم چهار سوق چوبی در تهران بود.

9-آقا شیخ علی آل بویه مقیم سیاهکل لاهیجان ضمن اینکه اجارهء ارشاد از شمس داشته گرد قطبیت نگشته عزلت اختیار نموده و بزراعت اشتغال‏ دارند و مردی است وارسته و آزاده.

شمس در تشهد نماز برطبق آراء و نظریات خود تغییراتی داده است چنانچه‏ در صفحهء 9 رساله شمسیه متذکر گشته است که در نمازهای واجب و مستحب در تشهد بعد از شهادت برسالت پیغمبر اکرم(ص)زبانش بشهادت ولایت علی(ع) رطب اللسان گردد باین نحو اشهدان علیا و اولاده المعصومین حجج اللّه و بعد از سلام بر پیغمبر اسلام بگوید.

السلام علی امیر المؤمنین و الائمة المعصومین و رحمة اللّه و برکاته و عبارت‏ السلام علینا و علی عباد اللّه الصالحین را برزبان نراند و بعوض آن بگوید السلام‏ علیکم و رحمهء اللّه و برکاته و ضمن ذکر این جمله امام زمان علیه السلام را در نظر گیرد.

بعد از در گذشت شمس ژان ریپکا مستشرق چلسلواکی مقاله‏ای در توصیف‏ شمس نگاشت که ترجمهء آن در راهنمای کتاب سال ششم منعکس گردیده است‏ سیر روحی مریدان شمس بیشتر بوسیلهء خواب انجام می‏گرفته است و ذکر خفی‏ فقط ذکر تهلیلی(لا اللّه الا اللّه)را بمریدان تلقین می‏نموده است.

اکثر مریدان شمس بعد از در گذشت وی در حلقه ارادتمندان ذوالریاستین‏ شیرازی قزوینی الاصل گرد آمدند.

مولا و خداوند گارم کیوان قزوینی در کتاب ارزندهء خود در جلد سوم‏ کیوان‏نامه که هنوز بحیله طبع در نیامده اسرار زندگانی شمس را با خامه توانای‏ خود به رشتهء تحریر درآورده است که بسیار جالب و شگفت است.

شمس قبل از داعیهء قطبیت باتفاق برادرش شاگرد بزار در بازار تهران‏ بودند از مریدان متعصب و پا برجای منابر کیوان قزوینی که شهرتی عالمگیر داشت بودند.

شمس اواخر حیاتش چشمانش نابینا گردید و عکس مشایخ و اقطاب را در خانقاه خود گردآوری نموده بود که پس از طی سالها حجت بلاغی در کتب‏ خود منعکس ساخته و ارزش دو کتاب حجت بلاغی به همین عکس‏ها می‏باشد.

شمس از وجوه طبقات مختلف قریب پانصد تن مرید گرد خود جمع‏ آوری نمود شمس بمریدان خود دستور می‏داد که بجای خمس و زکوة عشریه‏ بخانقاه بپردازند و سلسله نسبت رشته قطبیت شمس بنور علی شاه می‏رسد و در قرن‏ اخیر کمتر قطبی بشهرت شمس رسیده است.